یادداشت

سد تنگ‌سرخ؛ تیری به قلب شیراز

بهمن ایزدی
رئیس کانون سبز فارس و فعال محیط زیست

ساخت سد تنگ‌سرخ از سال ۱۳۹۰ از جانب شهرداری شیراز مطرح شد اما با اعتراضات عموم مردم و کنشگران طبیعت و سازمان حفاظت محیط زیست مواجه شد و همین موضوع باعث شد در سال‌های متمادی همواره با شکل‌گیری دولت‌های جدید و نبود اطلاع استانداردهای جدید، شهرداری برای اجرای این سد خیزهای دیگری بردارد و با وجود تلاش‌های غیرقانونی و غیرعلمی‌اش و مخالفت فعالان علمی و اجتماعی، به اهداف خود نرسد.

همواره حداقل پنج نگرانی عمده درباره سد تنگ‌سرخ شیراز وجود دارد: یکی، ازبین‌رفتن مناطق بکر طبیعی شمال غرب شیراز که کانال ورود کریدور هوای پاک به شهر شیراز قرار دارد و زون حفاظت طبیعی شیراز است که در محدوده مخزن سد و پیرامون حوضه ذخیره‌سازی سد قرار خواهد گرفت. دوم، وجود دو گسل فعال تکتونیک سبزپوشان در محل سد تنگ‌سرخ که در صورت فعالیت مجدد موجب وقوع زلزله و تخریب سد می‌شود که تهدید بزرگی برای شهر شیراز خواهد بود. سوم، وجود سازندهای مارن، ژیپسی و غارهای گچی در لایه‌های زیرسطحی محل ساخت سد که باعث گریز آب از مخزن سد و از سوی دیگر تهدید جدی شیراز می‌شود. چهارم، با مسدودشدن اندک آب موجود تا پایاب حوضه آبخیز تنگ‌سرخ، موجبات خشکاندن دریاچه مهارلو و تبدیل آن به کویر نمک و پیدایش چشمه ریزگردهای نمکی و شیمیایی تسهیل می‌شود.

پنجم، ازبین‌رفتن شرایط زندگی متعادل مردم با به خطر افتادن موقعیت اجتماعی، اقتصادی و سلامت و بهداشت زیست‌مندان شیراز و شهرستان سروستان و حومه. اما آنچه از دلایل اجرای این سد استنباط می‌شود، ماجرای زمین‌خواری در بازه‌های جنوب شرق تنگ‌سرخ و اراضی کوهپایه دراک در شمال غرب پارک ۵۸۰هکتاری کوهسار، تحت عنوان ایجاد طرح‌های گردشگری از سوی ایده‌پردازان است.

از سال ۱۳۹۰ که موضوع احداث تنگ‌سرخ واقع در شیب مثبت شمال غرب شهر شیراز از طرف برخی از مسئولان رؤیاپرداز شهر شیراز و افراد پیدا و پنهانی که در صورت اجرای چنین طرح مهلکی، استمرار تکاثر مالی فردی و گروهی خود را جست‌وجو می‌کردند، خبرساز شد. در پی آن اعتراضات، تشکل‌های محیط‌زیستی و چهره‌های علمی استان فارس و همچنین کنشگران محیط زیست با ارائه نظرات علمی و کارشناسانه خطاب به مسئولان استانی و کشوری را برانگیخت.

هرچند در طول سال‌های متمادی، مجریان سد تنگ‌سرخ، با جایگزینی دولت‌های جدید خیزهای عملیاتی برداشتند، اما با توجه به مخالفت شدید مدیران اداره کل حفاظت محیط زیست استان فارس و همچنین ریاست سازمان حفاظت محیط زیست کشور مبنی‌بر نبود ارزیابی و ملاحظات محیط‌زیستی و همچنین مخالفت فعالان اجتماعی و علمی شیراز و فارس، اجرای آن متوقف شد، اما عواملی در شهرداری شیراز همچنان در اندیشه اجرای آن سازه غیرضروری بودند که به شرح اختصار، مورد اعتراض کارشناسان و کنشگران طبیعت استان فارس قرار گرفت.

در صورت اجرای سد تنگ‌سرخ، ضمن ازبین‌رفتن رویشگاه و عرصه‌های جنگلی تنگ‌سرخ که علاوه‌بر دیگر مزایای طبیعی‌شان، نقش فیلترینگ جریان هوا به جلگه شیراز دارند، در دریاچه ذخیره آب سد نابود می‌شوند و همچنین به دلیل سست‌بودن سازند زمین‌ساختی منطقه سد و وجود دو گسل فعال در جوار آن، از جمله گسل زلزله‌خیز سبزپوشان، ساخت آن سبب ایجاد تهدید جدی جان و مال مردم کلان‌شهر شیراز می‌شود و از سویی دیگر تهدید امنیتی از دیدگاه پدافند غیرعامل در زمان بروز جنگ یا تعرضات تخریبی است. براساس مطالعات زمین‌شناسی، در صورت احداث سد تنگ‌سرخ، جلگه شیراز وارد تهدید و مرحله بحرانی می‌شود که چنانچه آن سد بعد از عملیات اجرائی، تخریب یا شکسته شود، شهر شیراز تا حدود پنج متر زیر آب فرو خواهد رفت.

به دلیل وجود سازندهای دارای تناوب مارن، رس و گچ در زیرساخت آن منطقه، این سازه پس از ساخت، دچار فرار آب شده و عملا دریاچه‌ای در آن شکل نمی‌گیرد و همان اتفاقی که برای برخی سدهای استان فارس، از جمله سد کربال، تنگاب و سیوند که دارای شرایط زمین‌شناسی حتی با آب‌گریزی کمتر بوده‌اند، تکرار می‌شود. شایان ذکر است که سد سیوند با گذر بیش از ۱۵ سال از افتتاح، هنوز دریاچه آن آب‌گیری نشده است. ازاین‌رو ساخت سد تنگ‌سرخ نیز هدردادن چند هزار میلیارد ریال از اعتبارات عمومی از محل اخذ عوارض شهروندان شیراز و بودجه ملی خواهد بود.

از این مهم‌تر آنکه آب نشت‌یافته از زیر سد به زمین‌های شمال دراک در جوار بلوار حسینی الهاشمی که دارای سازند گچی متخلخل است، نفوذ می‌یابد و سبب سست‌شدن لایه‌های زیرسطحی عرصه مستحدثات آن ناحیه مسکونی که هزاران نفر را در خود جای داده، خواهد شد.

گزارش «شرق» از نگاه مدرسه و سیستم آموزشی به کودکان آسیب‌دیده

هیچ مدیر مدرسه‌ای آنها را نمی‌خواهد

نسترن فرخه

کودکان آسیب‌دیده یا کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست مراکز شبه‌خانواده معمولا به‌سختی در مدارس ثبت‌نام می‌شوند و مدیران چندان تمایلی به حضور آنها در مدرسه ندارند؛ بنابراین در طول سال تحصیلی هم به اشکال مختلف چالش‌هایی را برای این کودکان ایجاد می‌کنند. این درحالی است که طبق گفته‌های مددکارها و فعالان این حوزه، آثار روحی و روانی این موضوع امکان دارد تا همیشه در حافظه کودک باقی بماند. از طرفی، رفتارهای ترحمی کادر مدرسه با این کودکان هم آسیب‌های خاص خود را دارد که نیاز به آموزش صحیح به کادر مدرسه را دوچندان می‌کند. در برخی موارد حتی با وجود اعمال تصمیمات کاملا سلیقه‌ای، به نظر می‌رسد قدرت مدیران مدارس از مسئولان آموزش‌وپرورش هم بیشتر است که همه این مسائل یک قربانی برجای می‌گذارد و آن کودک است.

«روشنای امید» به دلیل اهمیت پرداختن به این موضوع، نشستی صمیمی در دفتر مرکزی خود ترتیب داد تا از مراکز مردم‌نهاد حوزه کودکان دور هم جمع شوند و همه روایت‌های خود را مطرح کنند. مرکز شبه‌خانواده نرجس، مؤسسه یاری‌گران کار پویا و مرکز شبه‌خانواده خانه روشنا، از میهمان‌های این برنامه بودند که همه از چالش‌های بی‌شماری که با مدارس دارند گفتند که بخشی از آن را در ادامه می‌خوانید.

اخراج کودکان به دلیل کودک بهزیستی بودن

یکی از حاضران، گلزار مهرعلیزاده، مسئول فنی مرکز شبه‌خانواده نرجس است که درباره مشکلات بین خودشان و مدارس از همان ابتدای اقدام برای ثبت‌نام کودکان می‌گوید: «در رابطه با ثبت‌نام کودکان، ما ناچاریم شرایط کودک را برای کادر مدرسه توضیح دهیم. چون والدین کودک نیستیم و دسترسی هم به شناسنامه مادر و پدر نداریم، برای همین مددکاری که برای ثبت‌نام می‌رود مجبور است تا حدی شرایط را توضیح دهد که مشخصات او را به‌جای کودک ثبت کنند. یکی از دردسرهای بزرگ ما همین است که مسئولان مدرسه اصلا به شرایط این کودکان آشنا نیستند و برای همین ما با دردسرهای زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. یکی از آن، همین پیگیری مدرسه خانواده است و ما مجبوریم آدرس و تلفنی از خانواده کودک بدهیم که شاید سال‌هاست خاموش است. بعد باید وارد سامانه آموزش‌وپرورش بشویم که آنجا هم کد ملی والدین را می‌خواهد که ما مجبور می‌شویم قسمت فناوری خود آموزش‌وپرورش برویم تا کار ثبت‌نام این کودکان را انجام دهیم. هرچند خیلی وقت‌ها این افراد اصلا نمی‌دانند بچه بهزیستی یعنی چه و ما باید برای آنها از اول توضیح دهیم. برای بحث رازداری هم ما می‌گوییم فقط مدیر در جریان کامل ماجرا باشد و لزومی ندارد کادر مدرسه هم در جریان قرار بگیرند، اما گاهی خود بچه‌ها این موضوع را در کلاس می‌گویند. از طرفی هم ما تنها یک رابط در کل سال با مدرسه داریم تا هردفعه فرد جدیدی از مرکز به مدرسه نرود. بااین‌حال مثلا وقتی سه کودک در یک مدرسه داریم و رابط هر سه من هستم، به شکلی وارد مدرسه می‌شوم که کسی متوجه نشود من به عنوان مادر سه نفر از بچه‌ها به مدرسه آمدم؛ چون خود بچه‌ها هم دوست ندارند کسی متوجه این ماجرا شود. وقتی یکی از بچه‌های ما در کلاس درس درمورد وضعیتش به کودکان دیگر می‌گوید، ما وارد ماجراهای جدید می‌شویم. مثلا امکان دارد بعد از آن مادرهای دانش‌آموزان دیگر به مدرسه در مورد حضور بچه بهزیستی سر کلاس اعتراض کنند. مدیر هم ما را صدا می‌زند که بچه شما سر کلاس این موضوع را گفته و والدین تماس گرفتند که چرا این بچه سر کلاس است و باید از مدرسه بیرونش کنید؛ چون تصور همه این است که بچه بهزیستی غیرقابل کنترل است و به کودکان دیگر کار یاد می‌دهد. خیلی وقت‌ها هم نظر مدیر در بین ۴۰۰ دانش‌آموزی که دارد، حذف یک نفر است تا اینکه والدین بقیه را توجیه کند. درحالی‌که بچه اگر آسیب‌دیده هم باشد باز حق استفاده از خدمات آموزشی را دارد. موردی در مدرسه غیرانتفاعی داشتیم که مدیر به من گفت باید بچه را از مدرسه ببرید، دختر ما هیچ مشکلی هم نداشت و فقط سر کلاس گفته بود بچه بهزیستی هستم. مدیر گفت مادرها اعتراض کردند که ما پول می‌دهیم و چرا باید بچه بهزیستی سر کلاس در کنار بچه‌های ما باشد. ما خیلی تلاش کردیم که بچه را از مدرسه بیرون نیاوریم ولی در هر حال تمام این تنش‌ها را متوجه شد. بیرون آمدن یا ماندن در مدرسه برای این دختر ما هر دو آسیب بود ولی رفتنش آسیب بیشتری داشت. برای کودکان اتباعی که در مرکز داریم هم مشکلات بسیاری داریم. برای ثبت‌نام آنها در مدرسه باید کد یکتا داشته باشیم که هر شش ماه در اداره اتباع این کد باید تمدید شود. اکثر اتباعی هم که به مرکز می‌آیند پاسپورت یا اوراق هویتی ندارند. مثلا قصد می‌کنیم بچه‌ها را سفر ببریم، اما برای کودکی که اتباع است و اوراق هویتی ندارد نمی‌توانیم بلیت هواپیما تهیه کنیم، یا برای ثبت‌نام کلاس یا باشگاهی که بیمه ورزشی می‌شوند، این دختر ما بیمه نمی‌شود. حتی امتحانات سازمان فنی‌حرفه‌ای را بعد از گذراندن کلاس‌هایش نتوانست شرکت کند؛ چون کد ملی نداشت. موضوع دیگر هم نگاه ترحم‌آمیز کادر مدرسه به کودکان بهزیستی است که ما مجبوریم در هنگام ثبت‌نام این موضوع را به آنها بگوییم ولی در حین سال تحصیلی که به مدرسه می‌رویم، مثلا مدیر می‌گوید چه بچه‌های خوبی دارید، هرچه خواستیم پول بدهیم تا از بوفه چیزی بخرند، قبول نکردند. هرچقدر هم که توضیح می‌دهیم این نگاه اشتباه است، فایده هم ندارد. از طرفی هنگام ثبت‌نام هم موارد بسیاری داریم که تا متوجه می‌شوند بچه بهزیستی است به ما می‌گویند جا نداریم. به آموزش‌وپرورش مراجعه می‌کنیم به ما می‌گویند ظرفیت آن مدرسه تکمیل نیست و هنوز هم جا دارد، در آخر با نامه گرفتن از آموزش‌وپرورش و دوندگی، بچه را ثبت‌نام می‌کنند. در صورتی که همان اول هم می‌توانستند این کار را انجام دهند. با وجود این، نیاز است تعامل بین بهزیستی و آموزش‌وپرورش در این زمینه خیلی بیشتر شود».

عکس: سهند ناکی/ شرق

سیستم آموزشی نیاز به آموزش دارد

پریسا پویان، مدیر مؤسسه کودکان کار پویا، به دو مدل رفتار در دو سر طیف با کودکان آسیب‌دیده اشاره می‌کند که هر دو آسیب‌زننده است و می‌گوید: «سیستم آموزشی باید نوع برخورد با کودکان را بداند. اما یا برخوردها با این کودکان ترحمی است که بدون دلیل بر سر کودک دست می‌کشند، یا کاملا قهری است. به این شکل که والدین می‌گویند ما برای آموزش کودکمان پول می‌دهیم و این بچه نباید سرکلاس آنها باشد. همه اینها به یک آگاهی نیاز دارد. باید با آموزش‌وپرورش دراین‌باره صحبت شود. اما برای موضوعی مثل اوراق هویتی واقعا از دست ما مراکز مردم‌نهاد کاری ساخته نیست و دست وزارت کشور است. کودک هرجای دنیا که باشد، همه باید برای او تلاش کنند؛ مثل حق تحصیل. درحالی‌که وقتی به عنوان مسئول یک مجموعه وارد مدرسه می‌شوم، مدیر مدرسه اصلا من را تحویل هم نمی‌گیرد و به تندی می‌گوید نامه از آموزش‌وپرورش آوردی؟ چون تمایلی به همراهی ندارند. نیاز است درمورد نوع برخورد با کودکان، سیستم آموزشی آگاه شود. پروتکلی در نظر گرفته شود تا نحوه برخورد درست با کودکان آسیب‌دیده در آن در نظر گرفته شود. برخی از مسائل باید به‌درستی سرکلاس مدیریت شود. مثلا اول سال پرسش سؤالاتی مثل اینکه «شغل پدر چیست؟» باید تمام شود. کودکان ما اغلب فاقد حضور معنوی پدر هستند، این سؤالات آنها را آزار می‌دهد. اما چنین مسائلی نیاز به آموزش دارد».

رفتارهای سلیقه‌ای مدیران، آسیب برای کودکان است

نسا فرقدان، مددکار مرکز شبه‌خانواده خانه روشنا، هم در بخش دیگر این برنامه و پیرو صحبت‌های دیگر حاضران به اهمیت ایجاد آگاهی برای سیستم آموزشی می‌گوید: «متأسفانه افرادی هم که در آموزش‌وپرورش هستند این آگاهی را ندارند. حتی برای ثبت‌نام بچه‌هایمان، از آموزش‌وپرورش هم نامه داشتیم ولی مدیر مدرسه باز ثبت‌نام نکرد. سال قبل بهزیستی به ما دستورالعملی داد که خواندیم و امتحان دادیم. مواردی که دقیقا بابت همه آنها ما مشکل داریم و به عنوان مددکار یا مسئول مراکز باید این حقوقمان را بدانیم. درحالی‌که همه اینها را ما خواندیم و امتحان دادیم، ولی همان موارد را مسئولان آموزش‌وپرورش و مدارس باید بدانند و به آن عمل کنند؛ چون ما که می‌دانیم و همیشه هم بابت درخواست آن از مدیران و آموزش‌وپرورش مشکل داشتیم. ما برای ثبت‌نام فقط یک کودک، پنج ماه دوندگی کردیم و آخر هم نشد و از طریق دیگر ثبت‌نام را انجام دادیم. کودکی داریم که در مدرسه ظاهر بسیار ساده‌ای نسبت به دانش‌آموزان دیگر داشت، اما برای همین دختر ما، مدرسه مدام تماس می‌گرفت و نسبت به او انتقاد داشت. در آخر هم کودک ما از مدرسه اخراج شد، تنها به یک دلیل چون بچه بهزیستی بود. موارد این‌چنینی که مدارس به دلیل اینکه کودک ما بچه بهزیستی است رفتار متفاوت‌تری نسبت به بچه دارند، کم نیست و همین باعث سلیقه‌ای رفتارکردن‌ها شده است. اگر قانون مشخصی وجود داشته باشد، همه مجبورند براساس آن عمل کنند و شاهد این موضوعات نخواهیم بود. مثلا همین که اول سال از بچه‌ها درمورد شغل پدر می‌پرسند مسئله دیگر است. اغلب بچه‌های ما یا پدر ندارند یا ارتباط درستی وجود ندارد. پرسیدن چنین سؤالاتی تمام روان کودک را درگیر می‌کند. چند روز دیگر هم روز پدر است، باز داستان به همین شکل است. نوع مواجه آنها با روز مادر و پدر همیشه باعث ایجاد شرایط روحی وخیم در کودکان شده است که باید رویکردشان را تغییر دهند».

گنجایش و ظرفیت کادر مدرسه درباره رازداری مشکلات کودک مهم است

طاهره راحتی، معلم بازنشسته و داوطلب روشنای امید، هم به عنوان میهمان دیگر به اهمیت ظرفیت‌داشتن کادر مدرسه درمورد رازداری مسائل کودک اشاره می‌کند: «برای ثبت‌نام کودکان اصلا لزومی ندارد که کل کادر مدرسه در جریان قرار بگیرد که کودک ما از بچه‌های بهزیستی است؛ چون این ماجرا در کل مدرسه کم‌کم می‌پیچد و برای کودک ما شرایط سخت خواهد شد. در مدرسه سه نفر باید در جریان این موضوع قرار بگیرند که البته ظرفیت و گنجایش روانی آنها بسیار اهمیت دارد. بعد از آن مشاور و معاون آموزشی هستند که اینها هم باید دید تا چه اندازه گنجایش این ماجرا را دارند».

ادامه در صفحه ۱۰

خبر

شما هم دعوت هستید

شرق: مؤسسه خیریه طلوع مهر مریم، سوم تا پنجم بهمن جشنواره‌ای در تالار یاس برای عموم مردم خواهد داشت.

رویداد گندم، سوم تا پنجم بهمن ۱۴۰۳ در تالار یاس واقع در انبار گندم تهران توسط مؤسسه خیریه طلوع مهر مریم با هدف حمایت از کارآفرینان جوان و تولیدکنندگان داخلی، ایجاد فرصت‌های ویژه در منطقه و نیز تأمین مالی برای جامعه هدف مؤسسه برگزار خواهد شد.

این رویداد توسط مؤسسه خیریه طلوع مهر مریم و اقشار مختلف و همچنین با کمک و همراهی داوطلبان، حامیان، طراحان، تولیدکنندگان و دیگر علاقه‌مندان و مشتاقانی که دغدغه مسائل اجتماعی را دارند در قلب پایتخت برگزار خواهد شد.

اولین رویداد گندم، بازارچه‌ای متشکل از قسمت‌های پوشاک، مواد غذایی، زیورآلات، کالای فرهنگی، دکوری، قسمت‌های سرگرمی، کارگاه‌های آموزشی و... است.

مؤسسه خیریه طلوع مهر مریم با مدیریت مریم سادات کشیکچیان حامی کودکان نیازمند حمایت، بدسرپرست، معلولان جسمی-حرکتی، استعدادیابی کودکان کار به شماره ثبتی ۵۷۲۰۷، سازمانی مردم‌نهاد، غیردولتی و غیرانتفاعی است که فعالیت خیرخواهانه خود را به شکل رسمی از اردیبهشت سال ۱۴۰۳ آغاز کرده است. مؤسسه خیریه طلوع مهر مریم با هدف حمایت از فرزندان بی‌سرپرست یا بدسرپرست و توانمندسازی خانواده‌هایشان و... برای رونق کانون گرم خانواده‌ها و کاهش آسیب‌های اجتماعی شروع به فعالیت کرده است. با حمایت از خانواده‌های نیازمند و فرزندان ایشان (معلول- سالم) برای کاهش آسیب‌های اجتماعی تلاش کرده و روند بازسپاری فرزندان به مؤسسات شبانه‌روزی را کاهش دهد که این امر با آموزش، استعدادیابی و ایجاد اشتغال برای فرزندان و خانواده‌های آنها، تحقق خواهد یافت.

جدول ۴۹۶۲ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- اداره‌ای از تشکیلات قضایی- لقب وزیران دوره قاجار بود- محبوب‌ترین نوشیدنی جهان ۲- زیارت‌کنندگان- زاده‌شده- انبازان ۳- جواب طفره‌آمیز- تحسین فرنگی ۴- زاده‌شده- خداشناس- از اجزای ترمز ۵- بله آلمانی- شترمرغ آمریکایی- میل به غذا ۶- مربوط به جامعه دارای تمدن- مقام اول تولید گل در ایران را دارد- به دنیا آوردن ۷- اجازه- محکم و بنیادی- از مرکبات ۸- زین و برگ اسب- سازگاری- پرچم ۹- پیرو دین حضرت موسی(ع)- اسیر جنگی آزادشده- گوسفند عربی ۱۰- از اندام گفتاری- گوشه‌ای در آواز ابوعطا- فرورفتن خورشید در افق ۱۱- زن نازا- پیشه‌وران- رب‌النوع خورشید در مصر باستان ۱۲- کندذهن- خمیده- اهل ساری ۱۳- سراب- خراب و ویران‌شدن ۱۴- تجهیزشده- واقعی- شب‌زنده‌داری کردن ۱۵- خط‌کش نقشه‌کشی- خداشناس- نمایشنامه کمدی از مولیر فرانسوی

عمودی:

۱- سدی در خوزستان- فرشته روزی‌رسان- سربازی ۲- کتاب زرتشتیان- نوعی عدسی محدب- قدیمی‌ترین پل اصفهان ۳- دوا- رمانی نوشته رضا امیرخانی- واقف و مطلع ۴- سرافراز- ملکوتی- مجلس جشن و شادی ۵- استانی در جنوب ترکیه- گلی زیبا و خوشبو ۶- آرزو- وجود ندارد- توصیه برای حل مشکل ۷- کاربلد- وقت و هنگام- آنکه حج به جا آورده ۸- زائوترسان- معادل فارسی اکوسیستم- درخت زبان‌گنجشک ۹- از سازهای بادی برنجی در ارکستر سمفونیک- شهر صنعتی فلسطین اشغالی- شکارچی ۱۰- غده فوق کلیوی- ممنوع- قصد و آهنگ ۱۱- ضمیر سوم‌شخص جمع- مترسک ۱۲- از اجزای میز- قوم مغول- پایبند در دوستی ۱۳- فرزند به زبان کردی- خواهان- آسوده ۱۴- صدمه- بسیار دوست‌داشتنی- یار ژولیت ۱۵- از واحدهای ذخیره‌سازی اطلاعات در کامپیوتر- مربوط به جامعه- برای بیان نفرت به کار می‌رود

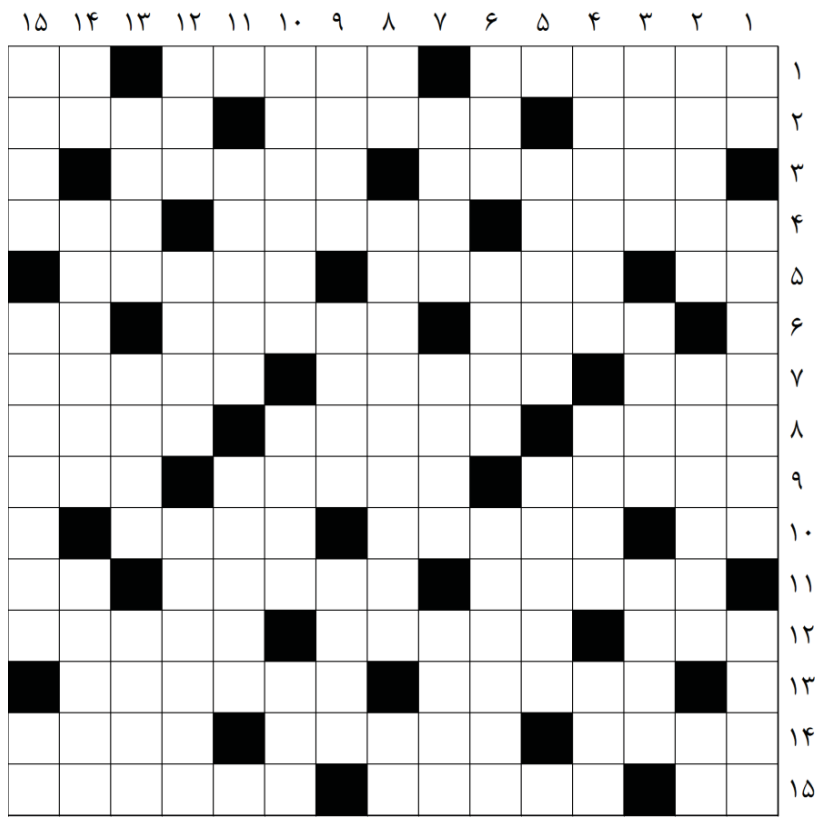

حل سودوکو ۳۹۵۷

۱	۴	۵	۶	۲	۸	۷	۹	۳
۶	۷	۹	۳	۴	۵	۱	۲	۸
۸	۲	۳	۱	۷	۹	۵	۴	۶
۵	۶	۲	۴	۳	۱	۹	۸	۷
۳	۱	۴	۹	۸	۷	۶	۵	۲
۹	۸	۷	۵	۶	۲	۳	۱	۴
۲	۳	۱	۷	۹	۴	۸	۶	۵
۷	۹	۸	۲	۵	۶	۴	۳	۱
۴	۵	۶	۸	۱	۳	۲	۷	۹

۵	۸	۷	۲	۳	۴	۱	۹	۶
۶	۴	۱	۹	۵	۸	۲	۳	۷
۹	۲	۳	۷	۱	۶	۴	۵	۸
۲	۷	۸	۴	۹	۱	۳	۶	۵
۳	۱	۵	۶	۲	۷	۸	۴	۹
۴	۶	۹	۳	۸	۵	۷	۲	۱
۱	۳	۴	۵	۷	۹	۶	۸	۲
۷	۹	۲	۸	۶	۳	۵	۱	۴
۸	۵	۶	۱	۴	۲	۹	۷	۳

حل جدول ۴۹۶۱

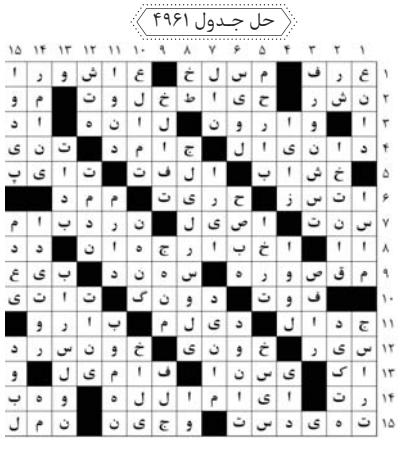

سودوکو سخت ۳۹۵۸

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

		۱				۹		
۹		۵		۳			۸	
			۹					۴
	۷	۳	۶					۹
	۲						۷	
۵					۴	۱	۶	
۳					۷			
	۹			۶		۳		۲
		۲				۴		

سودوکو ساده ۳۹۵۸

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۷					۶		۲	
	۴							
۶					۸	۵	۱	۷
		۳		۴				
		۹	۱		۲	۶		
				۶		۹		
۴	۱	۶	۵					۲
							۳	
	۸		۲					۹